

دبیر کمیته کردستان محمد آنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۶۹۱

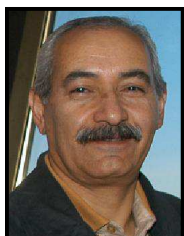
ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۱۳ شهریور ۱۳۹۲، ۴ سپتامبر ۲۰۱۳

سردبیر عبدال گلپریان

انتخابات پارلمانی احزاب حاکم در کردستان عراق مصاحبه ایسکرا با عبدال گلپریان



صفحه ۳

ایسکرا: در هفته های اخیر تب و تاب انتخابات پارلمان کردستان عراق به موضوع روز در آنجا تبدیل شده است و اکنون نمایندگان احزاب در قدرت مشغول تبلیغات انتخاباتی هستند. روند و فضای این انتخابات چگونه است؟

عبدال گلپریان: این انتخابات قرار بود در بیستم ماه اوت برگزار شود اما بمدت یکماه بتأخیر افتاد. حال قرار است در ۲۱ سپتامبر برگزار شود. اکنون نیز کاندیداهای هر یک از احزاب در قدرت ضمن تبلیغات انتخاباتی شان و برای بدست آوردن

مساله سیاسی روز!



نسان نودینیان

جنایتکار اسلامی است. سونامی بیکاری چالش بیش از یک دهه دولتهای نهم و دهم بوده و اکنون دولت یازدهم بسرکردگی روحانی جنایتکار است! و اما؛ سونامی بیکاری میلیونی چالش سیاسی و عمیقی است که مردم و جامعه در شرایط کنونی تجربه میکنند. این چالش را باید با نیروی اعتراض، اعتصاب و تجمعات سراسری جواب داد. هیچ راه حل میانی بجز اعتراض و اعتصاب سراسری

در ایران تحت حاکمیت رژیم سونامی بیکاری بیش از ۸ میلیون نیروی آماده بکار و کارگران اخراجی مساله سیاسی روز است. بیکارسازی و عدم اشتغال میلیونی چالش سیاسی روز در اوضاع سیاسی کنونی در ایران تحت حاکمیت رژیم

صفحه ۲

دست اسد و دیگر جانیان از زندگی مردم سوریه کوتاه!



قریبانی بلافصل این وضعیت مردم قهرمانی هستند که "به عرش اعلاء هجوم بردند". علیه یک نظام سیاه چهل ساله دیکتاتوری که قتل عام های بسیار در پرونده اش دارد دست به انقلاب زدند تا به "نان و کرامت" دست یابند. مردمی که با بیش از صد هزار کشته و میلیونها آواره و نابودی ابتدائیات زندگی

صفحه ۳

آنچه که بر مردم سوریه میروند مایه شرم بشریت است. انتشار صحنه های فجیع بمباران شیمیایی هفته گذشته که به احتمال قوی کار رژیم اسد است، در عین اینکه ابوزیسیون او نیز بهمان اندازه ظرفیت این جنایت را دارد، این لکه ننگ را باردیگر به رخ جهانیان کشید.

کمتر صحنه سیاست جهان چنین کلکسبونی از شنیع ترین جنایات، مشتمل کننده ترین ریاکاری ها و یکه تازی ارتجاعی ترین نیروهای سیاسی زمان ما را یکجا در خود دارد. حتی در رابطه

مرگ و زندگی سگی، رنج کارگران مرزی در کردستان!

روز به روز فاصله طبقات در ایران رو به افزایش است، که این در ادامه به افزایش مشکلات اقتصادی و تشدید محرومیت بیشتر طبقات پایین جامعه می انجامد. حال این طبقات پایین جامعه برای اینکه بتوانند حداقل نیازهای اولیه خود را تأمین کنند آن هم در کشوری که هیچ حمایت دولتی وجود ندارد



بیستون بیگ زاده

صفحه ۶

تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در مقابل اداره کل کار، تعاون و رفاه اجتماعی استان کردستان

اعتراضی در مقابل اداره کل وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی استان کردستان زدند و خواهان صدور رای هیات تشخیص اداره کار شهرستان

صفحه ۵

بدنبال گذشت بیش از ۲۰ روز از برگزاری جلسه رسیدگی به شکایت کارگران فولاد زاگرس در هیات تشخیص اداره کار شهرستان

قروه و تأخیر در صدور رای از سوی هیات مزبور، صبح امروز بیش از یکصد نفر از این کارگران با عزیمت به شهر سنندج دست به تجمع

کارزاری سه هفته ای در دفاع از کارگران زندانی در ایران

بگیرد و جنبش کارگری و کل جامعه را عقب براند. اکنون این فشارها تشدید یافته است. کارگر را بخاطر عضویتش در تشکلهای کارگری زندانی میکنند و بخاطر ابراز وجود

دستگیری و فشار بر رهبران کارگری یک سیاست دائمی رژیم اسلامی است. جمهوری اسلامی رهبران و فعالین کارگری را دستگیر میکنند تا جلوی پیشروی و سازمانیابی مبارزات کارگری را

صفحه ۴

صفحه ۲	حمله جنایتکارانه علیه مجاهدین خلق را شدیداً محکوم میکنیم
صفحه ۵	کسر مالیات غیر قانونی از حقوق صدها کارگر فضای سبز سنندج
صفحه ۶	مذهب، ملیت و قومیت
صفحه ۷	مختصری از تاریخ یک دوره / بخش بیست و پنجم / عبدال گلپریان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مساله سیاسی روز!

وجود ندارد. سونامی بیکاری میلیونی بزرگترین چالش ایندوره از حیات و حاکمیت رژیم جنایتکار اسلامی است. ما کارگران و مردم جامعه در سطح میلیونی را به برپایی اعتراضات و تجمعات سراسری و اعتصاب فرامیخوانیم.

کارگران فولاد زاگرس چه میخواهند!

رسیدگی به شکایت کارگران فولاد زاگرس در هیات تشخیص اداره کار قروه و تاخیر در صدور رای از سوی این هیات با اعتراض دهم شهریور کارگران در مقابل اداره کار، پیگیری شد. کارگران معترض زاگرس خواهان ۱. بازگشت به کار و یا در غیر اینصورت بازنشستگی بیش از موعد ۲. ارائه مطالبات سریع حقوق و معوقات گذشته ۳. اجرای سختی کار تایید شده قبلی و درج آن در سوابق کاری ۴. ارائه مابه التفاوت در سنوات گذشته ۵. بررسی پرونده پزشکی پرسنل توسط پزشک معتمد. تحقق این مطالبات در بیش از دو ماه اعتراضات پیگیرانه هنوز با مقاومت‌های مزورانه اداره کار روبرو شده است. این اعمال و کردار اداره کار غیر عادی است. این مقاومت‌های ضد کارگری را کارگران در دو ماه گذشته با تجمعات اعتراضی جواب داده اند. هوشیاری و پیگیری اعتراضات توسط کارگران زاگرس قروه رمز و کلید موفقیت‌های تاکنونی آنها شده است. در سی و یکم مرداد بالاخره اعتراضات مداوم و پیگیرانه کارگران فولاد زاگرس قروه با سپری کردن ده ها سد و مانع به موفقیت رسید. مبلغ حاصل از مرحله اول فروش خاک ضایعات چینی به حساب

حائز اهمیت است. کارگران با اتکا به کار و فعالیت قانونی و همزمان در اتکا به قدرت و تصمیم جمعی این دو عرصه از فعالیت یعنی بدست گرفتن امکان گرایی (راه های قانونی موجود) و اقدامات رادیکال را بکار گرفتند. هماهنگ کردن این دو عرصه تجربه مهم و قابل اتکا و تکثیر است. به این معنی کارگران توانستند در فازهای مختلف از کانال امکانات قانونی و اتکا به مجمع عمومی این موفقیت را کسب کنند.

سوم سپتامبر ۲۰۱۳

۱۳ شهریور ۱۳۹۲

حمله جنایتکارانه علیه مجاهدین خلق را شدیداً محکوم میکنیم

جمهوری اسلامی و دولت مالکی است و توسط هر انسان آزاده ای محکوم است.

حزب کمونیست کارگری دولت های کثیف عراق و جمهوری اسلامی و جنایت آنها را شدیداً محکوم میکند و به خانواده های قربانیان این فاجعه صمیمانه تسلیت میگوید.

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۱ شهریور ۱۳۹۲

۲ سپتامبر ۲۰۱۳



حمله نیروهای مسلح دولت عراق به یکی از مراکز حضور مجاهدین خلق در عراق که به کشته شدن حداقل ۵۲ نفر از اعضای این سازمان و مجروح شدن شمار دیگری از آنان منجر شد، یک توطئه کثیف و مشترک

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،

برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

از صفحه ۱

انتخابات پارلمانی...

کرسی های پارلمان سرگرم وعده های پوچ و تو خالی به مردم هستند. بنا به گفته هر یک از نمایندگان احزاب ناسیونالیست و اسلامی که اکنون هر یک کرسی هایی در پارلمان در اختیار دارند، قبلا دعوایشان در رابطه حذف نشدن اسامی مردگان بود که در دوره های گذشته هر یک از این جریانات برای بالا بردن آرای نمایندگان خود از شناسنامه کسانی که در قید حیات نیستند استفاده کرده بودند و در این مدت هر یک از آنها "نگرانی" خود را برای تکرار این نوع از تقلب در آرا بیان می کردند و می خواستند انتخابات را بتعویق بیانازند تا فرصتی برای حذف اسامی مردگان داشته باشند. این در حالی است که در انتخابات های قبل نیز هر یک از این احزاب از شناسنامه مردگان وابسته به جریان خود از این ترندها استفاده کرده اند. وقتیکه ازشان سوال می شود که چه کسی یا کسانی در قبال این مسئله مسئولند، هر کدام این بی پریشی ها را متوجه نهادهایی می کنند که در دست احزاب خودشان است و کسی هم پیگیر و پاسخگوی آن نیست. در این انتخابات نیز نهادهای مربوط به باطل کردن این دست از شناسنامه ها که در چهار سال گذشته بالغ بر هزاران شناسنامه غیر باطل شده را شامل می شود، قادر به ابطال آنها نبوده اند و این دور تسلسل در هر انتخاباتی در کردستان عراق همچنان بکار گرفته می شود و ادامه دارد.

از سوی دیگر جریان اصلاح طلب بنام گوران بر این اعتراض داشت که انتخابات باید سر وقت خود برگزار شود و اگر همان زمانی که برای آن تعیین شده برگزار نشود، پارلمان و حتی خودشان هم هیچ مشروعیتی نخواهند داشت. اما این حرفها همه اش نوعی تبلیغات انتخاباتی از سوی هر کدام از این احزاب است. وگرنه با این تاخیر یک ماهه و بقول اپوزیسیون گوران این پارلمان در حال حاضر مشروعیت خود را از دست داده است.

معمولا در روزهای قبل از انتخابات این سر و صداها و برای کسب یکی دو کرسی بیشتر موضوع تازه و عجیبی نیست. اما به محض تمام شدن پروسه انتخابات همه اینها

تضعیف کرد. در حال حاضر نیز عدم حضور طالبانی در صحنه سیاسی کردستان و اینکه هنوز معلوم نیست آیا همچنان در کما بسر می برد یا نه؟، عدم حضور سیاسی و فیزیکی طالبانی به یکه تازی حزب دمکرات بارزانی افزوده است. سخنان نمایندگان و سخنگویان حزب دمکرات بارزانی علیرغم اینکه همچنان به گونه ای اخلاقی از روابط و مناسبات حسنه و برابر با اتحادیه میهنی حرف می زنند اما ابراز وجود خود را بعنوان یگانه حزب برتر در کردستان عراق پنهان نمی کنند.

سران حزب دمکرات بارزانی رسما و علنا می گویند که موقعیتی که امروز کردستان عراق در آن بسر می برد مدیون تلاشها و از خود گذشتگیهای آنان است. تلویحا و بعضا اشکارا از موقعیت برتر خود در مقایسه با اتحادیه میهنی سخن می گویند. از این رو بنا به فاکتورهایی که اشاره کردم آن ریتم سابق تا حدودی تغییر کرده است. یکی از دلایل آن نیز این است که در تقسیم موقعیت، طالبانی بعنوان رئیس جمهور عراق وارد این پست کارتنی شد اما بارزانی برای تحکیم موقعیت خود و حزب عشیره ای اش کردستان را به ملک شخصی تبدیل کرد و این تقسیم پست و موقعیتها سبب شد بارزانی موقعیت برتری در کردستان عراق برای خود و حزب و عشیره اش دست و پا کند. هیچ کدام از این عوامل به معنای محو اتحادیه میهنی نیست و آنها نیز همچنان خود را بعنوان جریان رقیب در راس قدرت با بارزانی می دانند اما مسئله این است که در این توازن تقسیم بندی قدرت و سهم خواهی، فعلا پارتی از موقعیت بهتری از رقیب خود یعنی اتحادیه میهنی برخوردار است.

بارزانی در سخنرانی روز دوشنبه دوم سپتامبر خود که در حمایت از کاندیداهای حزب خود و در میان هوادارانش ایراد کرد، از موضعی برتر و از بالا به قدرت نمایی پرداخت. در بخشی از سخنانش گفت: "ما به دیگران احترام می گذاریم اما این بدان معنا نیست که دیگران را بالای سر خودمان قرار دهیم". "بگذارید دیگران هر چی می خواهند بکنند مسئله این است که

از صفحه ۱ دست اسد و دیگر جانان...

مردم میجنگند و کشتار میکنند اما اینها یاد دخالت خارجی در راه است. این در واقع مجازات انقلاب و مردم انقلابی توسط مجموعه ای از کثیف ترین و ارتجاعی ترین نیروهای بورژوازی در عصر ماست که خود در حال رقابت و جنگ قدرت با یکدیگرند.

متهم ردیف اول این جنایت علیه بشریت بی شک اسد و رژیم اوست. سرنگونی رژیم اسد گام اول در رهایی مردم سوریه از این جهنمی است که علیه شان پیا کرده اند. تمام دولتها و نیروهایی که از اسد حمایت میکنند، روسیه، جمهوری اسلامی، حزب الله لبنان و غیره همگی مستقیما در این جنایت شریک اند و باید همچون رژیم اسد مورد اعتراض و انزجار تمام مردم جهان قرار گیرند.

هرچند سرنگونی رژیم اسد اول قدم در رهایی مردم سوریه است، اما نباید اجازه داد نیروهای سیاه اسلامی و ارتجاعی در صف مخالف او که در پی اهداف ضد بشری خود هستند و توسط دولتهای غرب و یا عربستان و ترکیه حمایت میشوند، بر زندگی مردم سوریه حاکم شوند. در واقع مبارزه بحق و قهرمانانه مردم سوریه علیه اسد، عرصه دخالت انواع و اقسام نیروهای ارتجاعی منطقه ای و جهانی شده است که آئینده و منافع خود را در اثر انقلابات "نان و کرامت" در منطقه خاورمیانه در خطر می بینند. باید زندگی، آرمانها و انقلاب مردم سوریه را از منگنه نحس و نابوده کننده رقابت و کشمکش منطقه ای و جهانی قطب های بورژوازی نجات داد.

در این میان جریانات کوتاه نظر و پا در هوانی که در دوسال و نیم گذشته، جنایات رژیم اسد و حامیانش نظیر دولت روسیه و جمهوری اسلامی و حزب الله را با سکوت نظاره کرده اند، به اسم "جنبش ضد جنگ" و یا "مبارزه با امپریالیسم" میدان آمده اند. اینها عملا و در بهترین حالت از تداوم وضع موجود دفاع میکنند. دو سال و نیم است جمهوری اسلامی و روسیه دارند در کنار اسد علیه

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ شهریور ۱۳۹۲، ۳۱ اوت

۲۰۱۳

از صفحه ۳

انتخابات پارلمانی...

شما صاحب موضوع هستید". بخش دیگر از سخنانش خطاب به هواداران حزبی بود مبنی بر اینکه وقت خود را صرف کسانی نکنید که با ما در ضدیت هستند، موقعیت امروز کردستان مدیون پارتی است و یا اینکه اکثریت مردم کردستان مسلمان هستند و به مسلمان بودن خود افتخار می کنند.

این سخنان پیامهایی درش خطاب به اتحادیه میهنی نهفته است که می خواست نشان دهد حزب بارزانی در راس و در اوج است. بعد از دو حزب بارزانی و طالبانی، جریان گوران بعنوان اپوزیسیون که می کوشد موقعیت بهتری برای خود فراهم کند و در فکر پر کردن موقعیت و جایگاه اتحادیه میهنی برای خود است، بعنوان حزب سوم در

صحنه سیاسی کردستان عراق حضور دارد. احزاب کوچکتر نظیر حزب شیوعی، کومه لی اسلامی، جنبش اسلامی، حرکت اسلامی، حزب شیوعی و... همچنان در موقعیت قبلی خود هستند اما بعضا این احزاب کوچکتر نیز در انجمنها و دیگر نهادهای حکومت هرم کردستان در شهرداریها مقامهای بالاتری بعنوان سهم السکوت بهشان داده شده و پست و مقامی برای خود دست و پا کرده اند. تا جاییکه جریانات اسلامی هم مزاحمتی جدی برایشان ایجاد نکنند در چند سال اخیر پست و موقعیتهایی بهشان در تقسیم قدرت داده شده و همین امر این جریانات اسلامی را زبان دراز کرده است. همین هفته اخیر با بودجه ای که باید صرف کاهش فقر و فلاکت مردم شود، کنگره ای برای اهل تصوف را در اربیل برگزار کردند که در آن گروههای اهل تصوف بنام طریقه قادری، نقشبندی و رفاهی که از مرتجعترین گروههای مذهبی هستند در آن شرکت داشتند. تمام هزینه این کنگره که گروه های اسلامی دیگری به آن دعوت شده بودند از بودجه حکومتی تامین شد. این در حالی است که فقر و نداری و بی مسکنی همچنان در کردستان عراق بیداد می کند. نکته جالب توجه این است که کاندیداهای همین احزاب که اکنون در قدرت هستند، از واژه ای که مردم سالهاست آنرا

برخی از کاندیداهای هر دو طرف صورت می گیرد، پرداختن به این کارنامه در مقابلشان قرار داده می شود.

این دو حزب ناسیونالیست کرد پیشینه تاریخی شان مملو از این اتفاقات بوده است که برای رسیدن به قدرت و برای رسیدن به آنچه که امروز بر آن لم داده اند، نه تنها علیه همدیگر بازیچه دست حکومتهای منطقه بوده اند بلکه شرایط بشدت دهشتناکی را طی این تاریخ به مردم کردستان عراق تحمیل کردند.

ایسکرا: به نظر شما آیا رو کردن این تاریخچه که هر کدام دیگری را بیاد سرسپردگی به خمینی و صدام می اندازند گویای برانگیختن بر افروختن و تکرار این نوع جنگها در رقابتهایشان در مقابل هم نیست؟

عبدل گلبریان: تاریخ جنگها و آشتی های اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق و انواع بند و بست هایشان با رژیم صدام، شاه و خمینی بد طولایی دارد. برجسته ترین و متأخرترین آن جنگی بود که ما بین این دو جریان در سال ۱۹۹۶ بر سر قدرت و سهم خواهی بوقوع پیوست. طالبانی با کمک سپاه پاسداران مناطق تحت نفوذ بارزانی را تصرف کرد و بارزانی هم با کمک گرفتن از صدام حسین طالبانی و نیروهایش را تا داخل مرزهای ایران فراری داد و از کردستان عراق بیرون کرد. این جنگ که در آن کشته های زیادی از هر دو طرف از خود برجای گذاشت، سبب آوارگی، بی خانمانی و درگیری مردم شد. هر یک آنرا جزو کارنامه ننگین طرف مقابل اسم می برد. جریان بارزانی می گوید که طالبانی سپاه پاسداران خمینی را برای کشتار وارد کردستان کرد و بجان ما انداخت و جریان طالبانی هم می گوید بارزانی ارتش حکومت صدام حسین جنایتکار را بکمک طلبید، وارد کردستان کرد و بجان ما انداخت. اکنون نیز هر یک دیگری را به خیانت متهم می کند.

می خواهم بگویم اینها پرونده ننگین هر کدام از این و دو جریان اصلی در حکومت کردستان عراق است که وقتی پای انتخابات و قدر قدرتی پیش کشیده می شود، هر یک دیگری را که تاریخچه ای برماتب خفت بار تر از آن یکی دارد مقصر می شمارد. در جریان تبلیغات انتخاباتی و مصاحبه هایی که با

از صفحه ۱ کارزاری سه هفته ای...

سیاسی اش به او حکم زندان میدهند.

جمهوری اسلامی کارگر معترض را دستگیر میکند و زیر انواع فشارها قرار میدهد تا توده کارگران را از اعتراض کردن پشیمان کند، بسیاری از کارگران زندانی در زیر شکنجه های رژیم اسلامی و شرایط بد زندان، به بیمارهای مختلفی مبتلا شده و حتی بعضا در مواردی چون رضا شهابی، محمد جراحی، رسول بداغی وضعیت جسمانی نگران کننده ای پیدا کرده اند، این ها همه بخشی از فشار و شکنجه زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی است. زیر همین فشار ها تا کنون زندانیانی جان خود را از دست داده اند. نمونه اخیر آنها قتل افشین اسانلو در زندان رجایی شهر است که بخاطر شکنجه های شدید درون زندان دچار ایست قلبی شد و جان سپرد. باید فعالانه برای آزادی همه کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی مبارزه و تلاش کنیم.

از اول سپتامبر بمدت سه هفته کارزاری سه هفته ای برای آزادی کارگران زندانی به فراخوان سازمانهای مختلف سیاسی برگزار میشود و روز شنبه ۲۱ سپتامبر در برخی از کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی و استرالیا میتینگ ها و آکسیون های اعتراضی برپا میشود. کمپین برای آزادی کارگران زندانی "از همه مردم آزاده میخواهد که به این کارزار بپیوندند. ما همچنین از همه سازمانهای کارگری در سراسر جهان خواستار حمایت و پشتیبانی هستیم و برای جلب حمایت آنان تلاش میکنیم.

در حال حاضر تعدادی از فعالین و رهبران کارگری از جمله رضا شهابی با ۴ سال حکم زندان و ۵ سال محرومیت از فعالیت اجتماعی، محمد جراحی با ۵ سال حکم، شاهرخ زمانی با ۱۱ سال

۹ شهریور ۱۳۹۲، ۳۱ اوت ۲۰۱۳

Shahla_daneshfar@yahoo.com

Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

کارگر زندانی
آزاد باید گردد

www.free-them-now.blogspot.com

از صفحه ۴

انتخابات پارلمانی...

اوضاع امنیتی مردم قابل مقایسه با مناطق عرب نشین نیست. فکر نمی کنید چنین شرایط و موقعیتی برای مردم رضایت بخش باشد؟ موضع مردم در قبال این انتخابات چیست؟

عبدل گلپریان: بله درست است

تغییرات چشمگیری در سیمای شهرهای اصلی کردستان عراق صورت گرفته است. شرکت‌های سرمایه گذاری، هتلها، مراکز خدماتی، ساختمانسازی و راه اندازی پروژه های تجاری و بازرگانی زیادی در حال گسترش است و اصلا قابل مقایسه با مناطق جنوبی و عرب نشین در عراق نیست. اما این تغییرات و سرمایه گذاریهای کلان که در این سالها در کردستان عراق صورت گرفته است، در خدمت طبقه حاکم و احزاب در قدرت قرار دارد. این تغییرات و این سرمایه گذاریها و سود حاصله از فروش نفت و درآمدهای دیگر، طبقه ای را به عرش اعلا رسانیده است که در ناز و نعمت زندگی می کند و از سوی دیگر مردم تنگدست جامعه کردستان عراق در بسیاری از شهرها و روستاها هنوز از نداشتن آب آشامیدنی، از برق، مدرسه و بویژه

خدمات درمانی و بیمارستانها در رنج هستند. حتی در همان شهرهای اصلی که ساختمانهای سر بفلک کشیده و هتلهای مدل غربی در آنها احداث شده است، مردم هنوز از کمبود دکتر و دارو می نالند. آمار کارگران مهاجر در کردستان عراق از کشورهای عربی و آفریقایی گرفته تا کارگرانی از ایران، افغانستان، فیلیپین، بنگلادش و کلا جنوب شرقی آسیا طی این چند سال اخیر نیروی تولید کننده در ساختمانسازی و بخشهای خدماتی هستند. دستمزدهای ناچیز، عدم امنیت شغلی و دهها بی حقوقی دیگر نسبت به آنها اعمال می شود. همه اینها را هر کسی می تواند در میدیای خود این احزاب بخوبی مشاهده کند. می خواهم بگویم که رونق و شکوفایی کنونی در شهرهای اصلی نظیر اربیل، سلیمانیه، دهوک و بعضی از شهرهای دیگر ایجاد زیرساختها و به گردش درآوردن سرمایه هایی است که سود حاصله از آن بجهت سران و مسئولین احزاب در قدرت سرازیر می شود نه برای برطرف کردن درد و رنج مردم فقیر و تنگدست. در جریان تبلیغات انتخاباتی

از صفحه ۳ تجمع اعتراضی کارگران فولاد...

قروه در مورد شکایت خود شدند. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، این تجمع همزمان با برگزاری يك جلسه خبری با شرکت خبرنگاران رسانه های استانی در دفتر مدیر کل بود.

بنا بر این گزارش، کارگران فولاد زاگرس با مشاهده این وضعیت و علیرغم ممانعت از ورودشان به محل جلسه، در اقدامی اعتراضی با ورود به جلسه خبری مدیر کل، معترضانه خواهان صدور رای نسبت به شکایت خود در هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه شدند.

بدنبال این وضعیت مدیر کل و مدیر روابط کار اداره کل وزارت کار در استان کردستان، طی نشست با کارگران در حضور خبرنگاران به آنان وعده دادند روز سه شنبه هفته جاری رای بازگشت بکار ۲۳۵ کارگر اخراجی فولاد زاگرس و استیفای ۵ ماه دستمزد معوقه آنان از سوی هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه

شکایت خود در هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه شدند. اند چنانچه هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه اقدام به صدور رای غیر قانونی در مورد شکایت شان بکند دامنه اعتراضات خود را بار دیگر به تهران خواهند کشاند و تا رسیدن به حقوق قانونی خود از پای نخواهند نشست.

اتحادیه آزاد کارگران ایران -
دهم شهریور ماه ۱۳۹۲

کسر مالیات غیر قانونی از حقوق صدها کارگر فضای سبز سنندج

شرکت پیمانکاری امید جوان که صدها کارگر فضای سبز و دیگر ارگانهای شهرداری سنندج تحت پوشش آن مشغول بکار هستند در سه ماهه اول امسال بطور غیر قانونی اقدام به کسر مبلغ ۵۰ الی ۶۰ هزار تومان از حقوق ماهیانه کارگران تحت عنوان مالیات بر مشاغل کرده بود که با اعتراض کارگران مواجه شد و در نتیجه این اعتراض که در استانداری کردستان صورت گرفت شرکت مزبور بناچار از اول تابستان این مبلغ را به ده هزار تومان کاهش داد.

این در حالی است که دریافتی ماهیانه آنان اغلب این کارگران حدود ۶۰۰ هزار تومان است و مشمول مالیات بر مشاغل نمیشود.

بنا بر اظهار کارگران فضای سبز شهر سنندج علیرغم اینکه

اتحادیه آزاد کارگران ایران
نهم شهریور ماه ۱۳۹۲

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت خواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد حزب کمونیست کارگری!

مذهب، ملیت و قومیت



از طریق سایت های زیر به کتاب
یک دنیای بهتر
 می توانید دسترسی پیدا کنید.
www.wpiran.org
 حزب کمونیست کارگری ایران
 آرشیو عمومی منصور حکمت
www.hekmat.public-archive.net

ممنوعیت هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب .

ممنوعیت راه و رسم های مذهبی، قومی، سنتی، محلی و غیره که با حقوق و برابری و آزادی مردم، اعم از جمعی و فرد، با برخورداری آنها از کلیه حقوق مدنی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی که قانون به رسمیت شناخته است و با ابراز وجود آزادانه آنها در زندگی اجتماعی مغایر باشد .

مصادره و باز پس گیری کلیه اموال و دارایی ها و اماکنی که نهادهای مذهبی در طول حکومت رژیم اسلامی به زور و یا از طریق دولت و نهادها و بنیادهای مختلف صاحب شده اند. قرار گرفتن این اموال و اماکن در اختیار نهادهای منتخب مردم برای استفاده های عام المنفعه .

ممنوعیت انتساب افراد و گروهها به ملیت خاص در سطح عمومی، در رسانه ها، ادارات و غیره بدون اجازه رسمی خود آنها.

حذف هر نوع ارجاع به تعلق ملی فرد از اوراق هویتی، اسناد دولتی و فعل و انفعالات اداری .

ممنوعیت هر نوع تبلیغ نفرت مذهبی، ملی و قومی، نژادی و جنسی. ممنوعیت ایجاد احزاب و گروه های سیاسی که برتری ملی، قومی، نژادی، مذهبی و جنسی گروهی از مردم بر دیگران، جزو اصول رسما اعلام شده آنها باشند.

از یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری ایران

تقویم رسمی .
 ممنوعیت مراسم مذهبی خشونت آمیز و غیر انسانی. ممنوعیت هر نوع فعالیت، مراسم و ابراز وجود مذهبی که با آزادی ها و حقوق مدنی مردم و با اصل برابری همه مغایر باشد. ممنوعیت هر نوع ابراز وجود مذهبی که مخل آرامش و احساس امنیت مردم باشد. ممنوعیت هر نوع مراسم و رفتار مذهبی که با قوانین و مقررات مربوط به بهداشت و سلامت افراد و محیط زیست و قوانین مربوط به حمایت از حیوانات مغایر باشد .
 مصونیت کودکان و افراد زیر شانزده سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی. ممنوعیت جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی .

ضرورت ثبت رسمی ادیان و فرقه های مذهبی بعنوان بنگاه ها و نهادهای خصوصی و تابعیت نهادهای مذهبی از کلیه قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاه ها . کنترل مراجع قانونی بر حساب ها و دفاتر و دریافتی ها و پرداختی های فرقه ها و نهادهای مذهبی. تابعیت این نهادها از قوانین مالیاتی ناظر بر بنگاه های مشابه .

آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت. حذف کلیه مضامین و ارجاعات مذهبی و متاثر از مذهب از قوانین کشور. تبدیل مذهب به امر خصوصی افراد. لغو مقوله مذهب رسمی. لغو هر نوع ارجاع به مذهب افراد در قوانین و در اوراق هویتی و اداری مربوط به آنها. ممنوعیت انتساب افراد، فردی یا جمعی، به هر نوع تعلق قومی و مذهبی در اسناد رسمی، رسانه ها و غیره
 جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش. ممنوعیت تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی. کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصل آموزش و پرورش غیر مذهبی هستند فوراً لغو شوند .

ممنوعیت هر نوع تقویت مالی و مادی و معنوی مذهب و فعالیت ها و نهادها و فرقه های مذهبی توسط دولت و نهادهای دولتی. موظف شدن دولت به مذهب زدایی از جوانب مختلف زندگی اجتماعی از طریق اقدامات آگاهگرانه و رشد سطح سواد و اطلاعات علمی عامه. حذف هر نوع اشاره به مناسبت ها و سالروزهای مذهبی از

روزه نیروهای مرزی، این کارگران دیگر قادر نیستند هزینه های زندگی خود را تأمین کنند و به ناچار به طرف کارهای خطرناکتر سرازیر می شوند.

۲. کارگران مرزهای غیر قانونی: این ها کارگرانی هستند که همچنان از نامش پیدا است بدون هیچ مجوزی در مرزهای غیرقانونی اقدام به حمل بارهای قاچاق (چای، پارچه، لوازم برقی و...) می کنند که هر روز با تشدید فشارها در مرزهای قانونی بر تعدادشان افزوده می شود. مرگ بخش جدایی ناپذیر این تجارت نان شب است! این کارگران، حمل کنندگان بار در مرزها به وسیله اسب و قاطر یا بر پشت خود و رانندگان به طرف شهرها، با مبلغ های نه آنچنانی اما از روی ناچاری مبادرت به انجام چنین کاری می کنند. تقریباً به طور متوسط هر روز یک نفر در مرزهای نواحی کردنشین ایران به ضرب گلوله مزدوران جمهوری اسلامی کشته می شود. البته نباید از یاد برد قسمتی از این کالاهای قاچاق شامل داروهای روانگردان و از این قبیل می شود ولی برهنگان معلوم است این مقدار بسیار کمی را شامل می شود هر چند صاحبان اصلی آن نیز وابستگان به این نظام حاکم در ایران می باشند و عامل اصلی وارد کردن و پخشش به مقدار بسیار زیاد آن خود رژیم می باشد. اما آنچه در این میان بیشتر به چشم میآید مشقت تأمین هزینه های زندگی و ناچیز بودن جان آدمی در این راه است.

در دنیای امروز که سطح علم، بهداشت و... که پیشرفت چشمگیری به خود گرفته است متأسفانه در قسمتی از کره خاکی مردمانی به امری مشغولند که باید به عنوان شغل شان از آن یاد کرد که نه تنها با دنیای پیشرفته امروزی همخوانی ندارد بلکه با قشری از جامعه ایران که دارای سطح درآمد بالا و ثروت موجود در آن کشور کاملاً در تضاد است! اما این نابرابری موجود در آن کشور است که باعث شده ما شاهد چنین امری باشیم و مرگ تدریجی

مجبور هستند به سخت ترین کارها تن در دهند، که این در نواحی مرزی ایران به خصوص درغرب و شهرهای کردنشین به صورت کارگران مرزی اعم از کولبران، رانندگان و... آن هم در سخت ترین شرایط خود را نشان می دهد که جانیمان حکومت اسلامی نیز هر روز محدودیت های بیشتری را به این قشر زحمت کش تحمیل می کنند. اما خود این کارگران مرزی را نیز می توان در ۲ گروه اصلی دسته بندی کرد.

۱. کارگران مرزهای قانونی
۲. کارگران مرزهای غیرقانونی

۱. کارگران مرزهای قانونی: اینها کارگرانی هستند که به اصطلاح در مرزهای قانونی کار می کنند و دارای کارت ترده می باشند که به ازای آن نیز باید مبالغی به عنوان مختلف و در فواصل زمانی متفاوت بپردازند. اینها کارگرانی هستند که در مرز به وسیله اسب و قاطر یا در بدترین شکل آن بار را بر پشت خود می گزارند و اقدام به حمل آن به آن طرف مرز در مسیرهای ناهموار می کنند. البته این کارگران شامل افرادی که اقدام به گرفتن یا تحویل بار و رانندگان نیز می شود که هر یک درد و رنج خاص و مشترک خود را دارند. این افراد که در این مکان ها کار می کنند نه تنها از کمترین حقوقی برخوردار نیستند بلکه در شرایط بسیار بدی از نظر بهداشتی بسر می برند و هر لحظه امکان بیماری سخت و علاج ناپذیر برای آنها وجود دارد که عفونت شدید ریه ها در اثر تنفس هوای آلوده به گرد و غبار در کنار کمردرد و... بسیار رایج است. در کنار چنین شرایط اسفناکی نیروهای مرزی جمهوری اسلامی هر روز بهانه هایی واهی سد راه این بردگان مزدی قرار می گیرند و آنها را مورد اذیت قرار می دهند و با دید درآمیزی به این قشر سعی می کنند هر روز مبلغی را از آنها بگیرند و حتی خرج پایگاه های مرزی خود را نیز از این طریق تأمین می کنند. به دلیل بالا رفتن هزینه زندگی در کنار محدودیت های هر



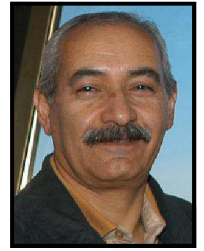
www.hekmat.public-archive.net
 www.wpiran.org

این قشر زحمت کش را به نظاره بشینم.

اما با توجه به چنین شرایطی در مملکتی که سرشار از منابع عظیم نفتی، معدنی و... است تنها با از بین بردن عامل اصلی این وضعیت یعنی سرنگونی نظام حاکم و تلاش برای زندگی بهتر و برابر و به همچنین آگاه کردن مردم نسبت به حقوقشان می توان به آینده امیدوار بود.

**زنده باد انقلاب انسانی
 برای جامعه ای انسانی!**

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش بیست و پنجم

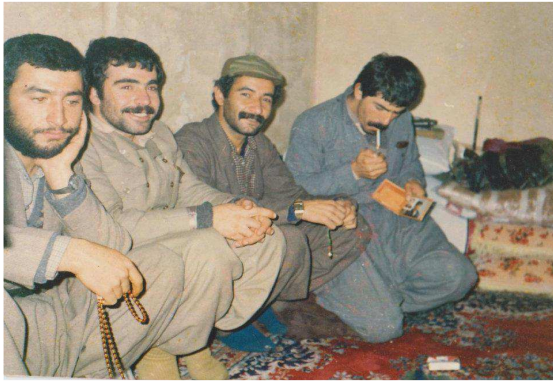


عبدل کلپر یان

رادیو کومه له

در اطراف شهر سنندج و روستاهای حومه آن، مکانهای متعدد برای مخفی کردن وسایلی که نیازی به حمل آنها نداشتیم و فقط استفاده مقطعی از آنها بعمل می آوردیم دست نشان کرده بودیم. این مکانها از هر لحاظ امن بودند و دست رسترسی به آنها توسط نیروهای رژیم غیر ممکن بود. این وسایل شامل باطری ۱۲ ولت که نیروی برق بی سیم را کال را تولید می کرد، اسلحه آربی جی و گلوله های آن، فشنگ ذخیره شده و همچنین کیسه خوابها و در موارد استثنایی بیسیم بزرگ از جمله این وسایل بودند که در این مخفی گاه ها گذاشته می شد. یک سال قبلتر که مسئولیت دسته سازمانده روستاهای اطراف سنندج "چم شار سنه" را بر عهده داشتیم، این مکانها را برای چنین مواقعی مد نظر گرفته بودم. بعد از انجام عملیات و یا کسب مهمترین اخبار و رویدادهای سنندج و دیگر شهرهای کردستان، لازم بود از بی سیم بزرگتر برای ارسال این خبرها سریعاً استفاده کنیم. بی سیم بزرگ را که در یک کوله پشتی بود و سه الی چهار کیلو گرم وزن داشت بیشتر اوقات با خود حمل می کردیم اما باطری ۱۲ ولت بعلت وزن سنگین قابل حمل کردن نبود. در تمام روستاهای اطراف شهر دسترسی به باطری و تامین آن برای ساعاتی و برقراری تماس بی سیم، توسط کسانی که در منازلشان مخفی می شدیم کار ساده ای بود. موتورسیکلیت، اتوموبیل و یا تراکتور در همه روستاها بود و مشکل باطری نداشتیم.

آن شب بعد از پایان عملیات بر روی پایگاه نیروهای رژیم در باوه ریز و مرکز بازرسی پلیس راه سنندج تهران، از میان باغها و زمینهای سبزی کاری "گریاشان" به روستای "دگه ران" که در انتهای دامنه شرقی بلوار سنندج واقع است رسیدیم. وارد



منزلی شدیم. از ما استقبال و پذیرایی خوبی از سوی صاحب خانه بعمل آمد. بعد از کمی استراحت از میزبان درخواست کردم تا برایمان یک باطری فراهم کند. رفت و یک

باطری آورد. بی سیم را روشن کردیم تماس برقرار شد و کلیات خبر عملیات را مستقیماً به مرکز رادیو کومه له در اردوگاه مرکزی ارسال کردیم. بهشان گفتیم جزئیات خبر را فردا شب بطور کامل مخابره خواهیم کرد و این فقط کلیات خبر است. بعد از خوردن غذا و گفتگویی مختصر با میزبان، او در رابطه با عملیات انجام شده ابراز خوشحالی کرد و گفت حضور شما در منطقه، واقعا مایه دلگرمی است. به میزبان گفتیم تا فردا عصر و تاریک شدن هوا اینجا می مانیم. در جواب گفت چیزی لازم نداری فردا از شهر برایتان بخرم؟ ازش تشکر کردم و گفتم اگر خواب خریدنی بود میگفتمم برایمان کمی خواب خریداری کن. خندید و سریع رختخوابها را به اطاقی که ما در آنجا بودیم منتقل کرد. خیلی خسته بودیم خودمان رخت و خوابها را پهن کردیم و تنها چیزی که آرزوی ما در آن لحظات داشتیم خوابی عمیق بود. موارد امنیتی را چک کردیم و خوابیدیم.

صبح که بیدار شدیم بعد از خوردن صبحانه به رفقا گفتیم شما تا تاریک شدن هوا همین منزل بمانید و سپس به روستای "قه ره یان" بروید بعداً من بهتان ملحق خواهم شد. (روستای قه ره یان اکنون شهرک بهاران نام دارد) فاصله روستای دگه ران تا قه ره یان پیاده کمتر از یک ساعت راه بود. به رفقا گفتیم می خواهم جزئیات آثار بجا مانده از عملیات دیشب را از نزدیک ببینم و گزارش آنرا برای رادیو تهیه کنم. برای تامین این گزارش تصمیم گرفتیم در روز روشن و در لباس روستایی به محل مرکز پلیس راه سر بزنم و آثار بجا مانده از عملیات شب قبل را دقیق تهیه و برای گزارش روز بعد رادیو کومه له آماده کنم.

(هر وقت به داخل شهر می رفتیم برای رعایت نکات امنیتی از لباس محلی روستایی استفاده میکردم. مهمترین آن دستمال نسبتاً بلند ابریشمی بود که در اصطلاح کردی به آن "رشتی" می گویند همراه با یک

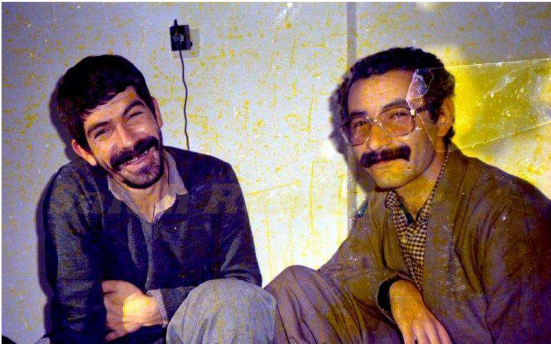
کلیات خبر را پخش می کنند ولی حالا می خواهیم با هم برویم و جزئیات خبر از واقعه دیشب را از نزدیک ببینم و برای تکمیل گزارش و پخش برنامه فردا آنرا تا آخر وقت مخابره کنم حالا سر راست بطرف مرکز پلیس راه قشلاق برویم. از همان مسیر جاده سنندج بطرف "گریزه" که از سمت چپ به پل قشلاق منتهی میشود حرکت کرد. در بین راه بهش گفتیم اگر کنترل و بازرسی کردند و پرسیدند این شخص کیست بگو اهل یکی از روستاهای اطراف است و می خواهد این کامیون مرا خریداری کند و حالا هم آمده ایم دوری بزنیم چون می خواهد مطمئن شود که ماشین پدرش می خورد یا نه؟ کریم هم با جسارت همیشگی اش که بارها کارهای مهم تر از این را انجام داده بود، دنده را عوض کرد و با لبخندش گاز داد و تا رسیدن به آنجا، ماجرای عملیات دیشب را در جزئیات برایش تعریف کردم. بلاخره به محل مرکز پلیس راه رسیدیم.

تقریباً به صد متری محل رسیده بودیم که متوجه جمعیت زیادی در اطراف ساختمان پلیس راه شدیم. نیروهای نظامی زیادی اطراف ساختمان را قرق کرده بودند. علاوه بر آنها افراد زیادی لباس شخصی که بنظر می رسید از کارشناسان اطلاعات و دیگر نهادهای اداری باشند در محل حاضر بودند. ترافیک بود جلوتر رفتیم و ماشینهایی که در صف بازرسی بودند هم در قسمت جلو وهم پشت سر ما در حال حرکت بودند. در تمام این لحظات من که در سمت راست کامیون نشسته بودم و ساختمان پلیس راه هم درست در سمت من بود، براحتی می توانستم آثار خرابی ها را مشاهده کنم. هر چیزی را که میدیدم به حافظه ام می سپردم. عاقبت نوبت به بازدید از کامیون ما رسید. مامور مسلح از سمت کریم پایش را روی پله

کامیون گذاشت خود را بالا کشید و بعد از احوالپرسی از کریم پرسید بار کامیون چیست؟ کریم گفت خالی است باری درش نیست. بعد گفت بدون بار کجا می روی؟ کریم نیز همان جوابی را داد که من قبلاً بهش گفته بودم. به سرباز گفت این شخص می خواهد این کامیون مرا خریداری کند الان آمده ایم در این مسیر دوری بزنیم می خواهد آنرا امتحان کند. مامور رو کرد به من و گفت اگر معامله صورت گرفت و آنرا خریدی، شیرینی من یادت نرود. در جواب با حالت خوشرویی بهش گفت حتما مطمئن باش شیرینی شما یادم نمی رود! از پله کامیون دو پله بالاتر رفت و نگاهی به جعبه محل بار انداخت سپس پایین آمد و گفت می توانید بروید. در تمام این لحظات من مرتب ساختمان مرکز پلیس راه را که اکنون دیگر حدود سی متر با آن فاصله داشتیم می پاییدم که تمام جزئیات خسارت و خرابی ها را در ذهنم نگه دارم و فضایی که این محل را فرا گرفته بود تجسم کنم. از محل دور شدیم در مسیر راه با کریم در مورد درخواست شیرینی مامور صحبت میکردیم و می خندیدیم. بعد از آن حدود ده دقیقه و به فاصله سه الی چهار کیلومتر نرسیده به گردنه صلوات آباد به کریم گفتم حالا دیگه برگردیم.

وقتیکه دوباره به محل بازرسی رسیدیم همان مامور سر پست بود. مجدداً علامت توقف به ما داد. کریم ترمز کرد و مامور همانند دفعه قبل به پله طرف راننده آویزان شد و گفت چی شد معامله سر گرفت؟ من هم بهش گفتم این کامیون موتورش کمی اشکال دارد و فکر نمی کنم معامله ای صورت بگیرد. دو پله دیگر بالا رفت و بشکلی فرمال اینبار هم جعبه محل بار را نگاهی کرد و پایین آمد و

از صفحه ۷ مختصری از تاریخ ...



بهش سپرده می شد احساس غرور میکرد. گزارش جزئیات خبر را که در موقع بازدید از محل در حافظه ام نگه داشته بودم با دقت نوشتم. (این عملیات ایزایی که در جریان آن کسی از افراد رژیم هم کشته نشده بود به منظور ایجاد سرو صدا و اعلام حضور در منطقه بود. هدف از آن ایجاد ترس و وحشت در میان صفوف نیروهای رژیم بویژه مزدوران محلی و تقویت روحیه مبارزاتی مردم بود که تا آن مرحله این هدف تأمین شده بود). در نامه جداگانه ای برای رفقا نوشتم که سریعاً خبر را از طریق بی سیم به رادیو کومه له مخابره کنند و فردا بهشان ملحق خواهیم شد. میزبان گزارش و نامه را به رفقا رساند و بعد از انجام کارش برگشت. آتش را نزد آنها ماندم و بخوبی استراحت کرده بودم. صبح روز بعد وقتیکه بیدار شدم سر سفره صبحانه چشمم به حلیم و سنگک تازه افتاد. مرد صاحب خانه گفت صبح اول وقت رفتم گرفتم می دانستم که از این صبحانه خوشتم می آید. بعد از خوردن صبحانه، به زن و شوهر میزبان گفتم که من دیگر باید بروم و به رفقا ملحق شوم. بهشان گفتم فعلاً در این اطراف هستیم ممکن است دوباره سر بزنم. بعد از روبروسی با همسرش در ترک موتور او نشستم و آنجا را به قصد محل ملاقات با رفقا در روستای قه ره یان ترک کردم. به قریه یان رسیدیم. از همراهم که مرا رسانده بود تشکر کردم و او به منزل خود برگشت. من هم به منزلی که رفقا آنجا بودند رفتم. اهل منزل از اینکه مرا می دیدند بسیار خوشحال بودند و حالا نوبت به پذیرایی کردن از من رسیده بود. وقت نهار بود و منتظر پخش خبر از رادیو بودیم. پخش مشروح خبر از رادیو آنگونه که اتفاق افتاده بود منعکس شد. به رفقا گفتم بی گمان گوش دادن به پخش این خبر در میان نیروهای رژیم، می تواند این شبه را برایشان ایجاد کند که مبادا از درون خودشان این خبر ارسال شده باشد. همگی خندیدیم و در اظهار نظر پیرامون بازتاب آن، اهمیت این حرکت را که می توانست تأثیرات سیاسی عمیقی بر روحیه مبارزاتی مردم داشته باشد با تمام وجود احساس

خبری رادیو کومه له داشت فرا می رسید. با آنها پیرامون عملیات شب گذشته صحبت میکردم، از مرد میزبان پرسیدم مردم امروز خبری از اتفاقات دیشب دارند؟ گفت امروز صبح برای انجام کاری به مرکز شهر رفتم کمی قبل از آمدن تو برگشتم. در میان مردم بحث بر سر تیراندازی های دیشب در اطراف پل قشلاق و روستای باوه ریز بود. گفت مردم اطلاع دقیقی نداشتند ولی حدس می زدند که کومه له در اطراف شهر باشد. سپس گفت از یک نفر پرسیدم صدای تیر اندازی دیشب بخاطر چی بوده؟ آن شخص جواب داد نمی دانم ولی امروز رادیو کومه له خبر دقیق را پخش می کند. همزمان با حاضر شدن نهار و بگو بخند با زن و شوهر میزبان، پای برنامه رادیو کومه له نشستیم.

در آن دوران دبیر رادیو کومه له رفیق جانباخته صدیق کمانگر بود. گزارش و خبرهای رادیو را خود او تنظیم می کرد و مطالب و گفتارهای اصلی را هم خود او می نوشت. گوینده رادیو کومه له هم با آن صدای گیرایی که داشت برای کسی ناشناخته نبود. در ارائه اخبار عملیاتها، گزارشها، تفصیلهای سیاسی و دلکلمه های زیبای اشعار شاعران جذابیت خاصی به برنامه رادیو می بخشید. وقتیکه شیوه و حالت خبر از رادیو و با صدای او پخش شد احساس بسیار خوبی بهم دست داد و تمام خستگی دو روز قبل از تنم خارج شد. در پایان خبر گفتم: "جزئیات این عملیات قهرمانانه را در برنامه فردا بطور مفصل به اطلاع خواهیم رساند." رو کردم به میزبان و بهش گفتم: "تو باید جزئیات این خبر قهرمانانه را که الان می نویسم به مکانی ببری که فردا از رادیو کومه له پخش شود." حالت شادمانه ای در قیافه اش پدیدار شد. از اینکه چنین کاری

گفت باشه می تونید بروید. به کریم گفتم با تاخیر و خیلی آهسته حرکت کند که زمان بیشتری برای تشخیص و دید زدن نقاط مختلف داشته باشم. در همین لحظات هم باز ساختمان و اطراف آنرا زیر نظر داشتم. برای بازگشت به کریم گفتم این بار از روی پل قشلاق بطرف شهر سنندج برو چون اطراف محله عباس آباد من پیاده می شوم.

در بین راه کلی صحبت کردیم، گفتیم و خندیدیم. به محله عباس آباد رسیدیم. گوشه ای توقف کرد. بهش گفتم به منزل برود اگر کاری داشتم تلفنی اطلاع میدهم. روبروسی کردیم، من پیاده شدم و او هم رفت. عباس آباد در بخش غربی شهر و در مجاورت زندان مرکزی سنندج واقع است. دوران پایان تحصیلات دبیرستان بدلیل خلوت بودن این قسمت از شهر، به آنجا می رفتم و در اطراف چشمه و حوضی بنام "کانی کوزله" درسهای سال آخر دبیرستان را مرور می کردم. همه محلات و اطراف آنرا بخوبی بلد بودم. اکنون دیگر بخشی از شهر است. به منزلی که بارها به آنجا رفته بودم نزدیک شدم از قبل می دانستم که فقط زن و شوهری که می بایست مهمان آنها باشم خودشان به تنهایی در آن منزل زندگی می کنند. در زدم. بعد از لحظات کوتاهی در را باز کردند. به محض دیدن من بیکه خوردند و باورشان نمی شد که من هستم. داخل حیاط شدم و آنها در را بستند. خیلی خوشحال، گرم و صمیمانه مرا به داخل راهنمایی کردند. لحظات زیادی فقط بغل کردن و روبروسی بود. آنها از آشنایان نزدیک خودم و از فعالین کومه له بودند. بعد از استراحت و خوردن چای و میوه مقداری صحبت کردیم. بهم گفتند تا نهار حاضر می شود دوش بگیرم. همین کار را کردم. وقت نهار بود و زمان پخش برنامه

میکردیم. و این تازه شروع کار ما طی این ماموریت بود. توضیح: (شاید برای خواننده این سطور این سوال مطرح شود که آیا واقعا تهیه این گزارش در جزئیات برای رادیو ارزش این خطر کردن را داشت؟ پاسخ من این است که انجام این عملیات تنها یک حرکت صرفاً نظامی نبود بلکه تأثیرات و بازتاب سیاسی آن بود که اهمیت داشت. رفتن من به محل واقعه در یک پوشش اجتماعی، اقدامی عملی و ساده بود و این کار بدون حمایت و همکاری دیگران که با واحد شهر همکاری می کردند کاری سخت می بود. رفتن به آنجا نه جزئی از طرح بود و نه الزامی برای انجام آن وجود داشت بلکه تصمیم به یک اقدام ابتکاری بود که در واحد

ادامه دارد

صفحه بندی: فرزاد کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزاد کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!